**٢٨ - حيات و ممات بترکيب و تحليل عناصر و عدم عبارت از انقلاب و مواد اصليه قديم و دائم اند**

و نيز از حضرت عبدالبهاء در کتاب مفاوضات است . قوله العزيز: "اگر گفته شود که فلان شيئی از عدم وجود يافت مقصود عدم محض نيست يعنی حال قديم بالنّسبه بحال حاضر عدم بوده چه که عدم محض وجود نيابد زيرا استعداد وجود ندارد."

و قوله العزيز : "وجود اشياء حياتش عبارت از ترکيب است و مماتش عبارت از تحليل امّا مادّه و عناصر کلّيه محو و معدوم صرف نگردد بلکه انعدام عبارت از انقلاب است مثلا انسان چون معدوم شود خاک گردد امّا عدم صرف نشود باز وجود خاکی دارد ولی انقلاب حاصل و بر آن ترکيب و تحليل عارض همچنين انعدام سائر موجودات زيرا وجود عدم محض نگردد و عدم محض وجود نيايد."

**\*\*\*\*\*حاشیة\*\*\*\*\***

مادّه هرگز از بين نميرود حتّی هنگاميکه اتم را تفکيک ميکنند و آنرا مبدّل به انرژی (نيرو) مينمايند باز مادّه از بين نميرود و مبدّل بچيز ديگر ميشود در اين صورت برای چه روح که شکل ديگری از مادّه است از بين برود؟ " مترلينگ "

شما نميتوانيد بگوئيد که دنيا دائره و يا مکعّب و يا مخروط است زيرا بمحض آنکه اين کلمات بر زبان رانديد لازم ميشود که دايره يا مکعب يا مخروط حدودی داشته باشد. " مترلينگ "

امروز علم‏الحيات ثابت کرده که هر سلول بدن بيش از چند ساعت يا چند روز دوام نميکند.